

مقدمه :

مصداق تمام عیار شخصیت ملکوتی سوره مبارکه فجر، حضرت سیدالشهداء (حسین بن علی (ع)) می‌باشند با توجه به سیر سوره شریفه، موضوع تجلی این شخصیت ملکوتی از حیث سیر و سلوک معنوی و ابتهاجات عرفانی و عروج نفس مطمئنه او به مقام شامخ رضا و لقای الهی، مورد نظر ماست که آن را به منظر رهروان عاشق حسینی تقدیم می‌دارم.

«وَالْفَجْرِ وَ لَيَالٍ عَشْرٍ وَ الشَّفْعِ وَ الْوَتْرِ وَ اللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ... يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّاتِي». (۲)

«و قسم به فجر و قسم به شب‌های ده‌گانه، و قسم به شفع و وتر، و قسم به شب آنگاه که رخت برمی‌بندد؛

آیا در آن، قَسَمی برای صاحب عقل با مناعت، هست؟ آیا ندیدی چگونه پروردگارت با قوم عاد رفتار نمود؟ ...

ای نفس مطمئنه به سوی پروردگارت برگرد در حالی که رضایتمند مورد رضایتی، پس در زمرة عباد من وارد و به بهشت من داخل شو».

در این سوره شریفه به فجر، و ده شب عظیم‌القدر، و شفع و وتر، و مطلق شب، قسم یاد شده است که

دلالت بر عظمت و اهمیت این موارد می‌باشد.

این موارد، به عنوان مقدمه و دلیل درهم

شکسته شدن جباران، و ظهور حق و حقیقت، مورد

قسم واقع شده‌اند.

در پایان سوره،

ناگهان، سخن از

عروجی ملکوتی از

شخصیت عظیم‌القدری

است که به درجه اطمینان

و رضای الهی نائل شده است؛

شخصیتی که گویا خداوند عالم، خود به استقبال او شتافته، او را به جنت لقاء و قرب ویژه خویش، داخل می‌نماید قربی که محفل عباد مخلص عاشق خدا می‌باشد.

و اما «الفجر» هنگامی از سپیده‌دم است که تاریکی به وسعت شکافته شده، سپیدی حاصل از ابتدای نور خورشید در آسمان جلوه‌گر شده، آغاز روز را اعلام نماید که همان وقت اذان صبح و نماز، و امساک از آب و غذا در ماه رمضان و ایام روزه‌داری می‌باشد.

قسم به «ده شب» از پی قسم به «فجر»، گویای ارتباط میان این دو می‌باشد که ظاهراً، قسم به سپیده‌دم پایان شب دهم مذکور می‌باشد.

«ال» در «الفجر»، گویای معهود بودن این سپیده‌دم می‌باشد؛ و نکره آمدن ده شب با وجود ارتباط آن با فجر معین، عظمت غیر قابل وصف و مبارک بودن آن ده شب را اشاره دارد.

در قرآن کریم، تنها در یک مورد، از «ده شبی عظیم‌القدر» که به چله مناجات و لقاء حضرت موسی با خدا اشاره دارد سخنی به میان آمده:

«وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ
أَتَمَّمْنَاهَا بِعَشْرٍ، فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ
أَرْبَعِينَ لَيْلَةً.» (۳)

«و ما موسی (ع) را سی شب، وعده کردیم و آن را با ده شبی عظیم‌القدر تکمیل کردیم، پس موسی (ع) میقات پروردگارش را در چهل شب تمام نمود.»

«فجر» از پس این چهل شب خلوت و بیتوته با خدای عالم، و یا به عبارت دیگر، از پس این ده شب تکمیلی، در فرهنگ اسلامی از اهمیت بسیار برخوردار است:

«مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً
جَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ
عَلَى لِسَانِهِ.» (۴)



«هر که چهل شب را با اخلاص به صبح رساند، چشمه‌سارهای حکمت از قلبش بر زبانش جاری خواهد شد.»

این میقات حضرت موسی (ع) با توجه به روایات بسیاری، از ابتدای ذیقعد تا دهم ذی‌الحجه بوده است که این ده شب تکمیلی، همان ده شب اول ذی‌الحجه می‌باشد که «فجر» از پس این ده شب، همان فجر عید قربان می‌باشد.

و از این جا معلوم می‌گردد که این ده شب اخیر برای اولیاء خدا، مکمل سی شبی است که در ماه ذی‌القعدة به بیتوته و نجوای با خداوند عالم اهتمام ورزیده‌اند که باید با این ده شب تکمیل شود و الا بیتوته و خلوت با خدا، ناقص خواهد بود.

در روایات بسیاری، عید قربان، همان حج اکبر در سوره توبه است که اعلامیه برائت از مشرکین در آن روز، برای مشرکان حاضر در منطقه منا، توسط امیرمؤمنان قرائت شد:

«وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ». (۵)

سنت قربانی کردن به پیشگاه خداوند در روز دهم ذی‌الحجه، سنت ابراهیمی است که از حادثه مأموریت ذبح حضرت اسماعیل در منطقه منا در روز دهم ذی‌الحجه به یادگار مانده است که سمبل اعلای ایثار و فداکاری تا سرحد فدا کردن عزیزترین عزیزان خویش در راه خدا می‌باشد:

«فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ وَ نَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا ... وَ قَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ وَ تَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ سَلَامًا عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ». (۶)

«پس همین که هر دو تسلیم شدند و ابراهیم (ع) او را به گونه‌اش بر زمین زدا (چه‌ها که نگذشت!) و او را ندا کردیم ای ابراهیم برآستی خوابت را محقق نمودی ... و او را به ذبحی عظیم عوض دادیم و بر آن در امت آخرین حکمی وا گذاشتیم، سلامی با عظمت بر ابراهیم باد!».

و از جمله عبادت‌های بسیار عظیم و مبارک است که در روز دهم ذی‌الحجه انجام می‌دهند و آن را ذبح عید قربان می‌گویند. این عبادت بسیار عظیم است و باید با تمام توان و با عزم و جدیت انجام داد. در این روز، خداوند تعالی با بندگان خود عهد می‌بندد و آن‌ها را از شرک و بت‌پرستی نجات می‌دهد. این عبادت، یکی از مهم‌ترین عبادت‌های دینی است و باید با تمام دل و جان انجام داد.

پس با توجه به این نکات قرآنی، این «فجر»، همان فجر عید قربان می‌باشد که از پس ده شب عظیم‌القدر دهه اول ذی‌الحجه، قرار دارد.

از اینجا معلوم می‌گردد که این «نفس مطمئنَه» مطرح شده در پایان سوره، شخصیت عظیم‌القدری است که چهل شب بیتوته و راز و نیاز با خدای عالم خصوصاً ده شب اخیر را به نحو احسن به پایان رسانده، در روز دهم، قربانی عظیمی را به پیشگاه خدای عالم عرضه داشته است آنچنان که او را به مقام رضا و تسلیم محض امر خدا، رسانده است.

عروج این شخصیت ملکوتی، از یک طرف، با قربانی‌اش در ارتباط می‌باشد و از طرف دیگر، موجب رفتن شب و درهم شکسته شدن صولت و قدرت جباران، و تجلی خورشید حقیقت و اعتلای رهروان حق می‌باشد.

با این توجه، برجسته‌ترین قربانی عجیب در راه خدا، از پس این سیر و سلوک معنوی را سیدالشهداء «حسین بن علی (ع)» به پیشگاه الهی عرضه نموده است؛ شخصیتی که خود و عزیزترین عزیزانش را در قربانگاه کربلا، در راه خدا قربانی نموده است!

و این زینب کبری است که دست بر آسمان برداشته، فریاد می‌زند (خدایا این قربانی را از آل محمد قبول فرما!)

و چه تعبیر اسرزارآمیزی دارد کلام خدا، آنجا که در ذبح اسماعیل (ع) می‌فرماید: ما فدیة‌اش را ذبح عظیم قرار دادیم:

«وَفَدَيْنَاهُ بِذَّبْحٍ عَظِيمٍ». (۷)

اینکه چرا آن گوسفند قربانی فدیة اسماعیل، صفت عظیم یافته است، مفسران را به حیرت کشانده است.

چه بعدی دارد که مقصود از «ذبح اسماعیل» فدیة‌ای عظیم‌تر از وجود اسماعیل (ع) باشد که در آینده، در راه خدا به جای اسماعیل (ع) قربانی شود که آثار این قربانی و برکات آن، عظیم‌تر از قربانی باشد که ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) به پیشگاه خدا عرضه داشتند و آن قربانی عظیم، وجود مقدس سالار شهیدان باشد. (۸)

قربانی عظیمی که تذکر به سیره‌اش، از طریق وحی، الهامبخش انبیاء و اولیاء اُمم گذشته بوده است:

«حزقیل نبی، یکی از انبیاء بنی‌اسرائیل است که قومش او را تحت تعقیب قرار داده، دستگیرش کردند و همچون سلاخان شروع به کندن پوست سرش نمودند؛ در این حین، پیک وحی نازل شده، از جانب خدا فرمود: اگر بخواهی، شما را از این وضع فجع، نجات می‌دهیم، این بزرگوار در زیر این شکنجه هول‌انگیز فرمود: نه،

«يَكُونُ لِيَ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) أُسْوَةٌ» حسین(ع) برایم در راه خدا الگو و اسوه است! (۹)

شخصیت یحیای نبی(ع) که سیره‌اش شباهت زیادی به سیره سیدالشهداء دارد. وی به دعای زکریای نبی (۱۰)، از سیره سیدالشهداء الگو گرفته است که آقایم امام حسین نیز، مکرر در مکرر، در مسیر کربلا یحیای نبی را یاد می‌فرمود:

«وَمِنْ هَوَانِ الدُّنْيَا أَنْ أَهْدِيَ رَأْسُ يَحْيَىٰ إِلَىٰ بَغْيَا بَنِي إِسْرَائِيلَ». (۱۱)

«و از پستی دنیاست که سر بریده یحیای نبی، به عنوان هدیه، به زن بدکاره‌ای از بدکاره‌های بنی اسرائیل، اهداء می‌شود!»

حرکت سیدالشهداء دقیقاً منطبق بر مضمون سوره فجر می‌باشد:

حضرت حدود ۲۷ ماه رجب سال ۶۰ هجری از مدینه خارج شده، سوم شعبان وارد مکه می‌شود. از مکه، هشتم ذی‌الحجه یا دهم ذی‌الحجه (۱۲) بعد از فجر عید قربان، به سوی کوفه حرکت می‌کند. (۱۳)

با توجه به اضطرابی که در طول مسیر مدینه تا مکه بر کاروان حاکم بود و با توجه به استشهادات حضرت به آیات سوره قصص در مورد خروج موسی(ع) از مصر به طرف مدین، و اینکه مدین پایگاه امن موسی خواهد بود، معلوم می‌شود، حضور در مکه برای حضرت، فراتر از جریان سیاسی، به عنوان پایگاه راز و نیاز و خلوتگاه انس با خدا و کسب توشه عظیم معنوی برای حرکت عظیم الهی‌اش می‌باشد؛ از این رو، می‌بینیم که حضرت سه چله در مکه حضور داشت که چله سوم حضرت دقیقاً منطبق بر چله میقات حضرت موسی(ع) با خداوند بود.

آنچه پیش از تحرک سیاسی برای اولیاء خدا، مطرح است، انس با خدا و کسب هر چه بیشتر رزق معنوی می‌باشد، از این رو با توجه به اهمیت اساسی که دهه آخر چله سوم دارد که همان «لیال عشر» سوره فجر، و دهه تکمیلی حضرت موسی(ع) می‌باشد. پس نقل اول که امام(ع) هشتم ذی‌الحجه مکه را ترک گفته است، بعید به نظر می‌رسد و نقل دوم که می‌فرماید: امام شهیدان به همراه کاروان صبح عید قربان از مکه خارج شده است صحیح‌تر می‌باشد تا امام(ع) بخصوص روز عظیم عرفه و شب بسیار عزیز عید قربان را در عرفات و مشعرالحرام درک کرده است، تا صبح که حاجیان به سوی منا جهت قربانی حرکت می‌کنند، امام به سوی منای خویش، کربلا، قربانگاه عاشقان خدا روانه شود.

اضطراب قبل از ورود به مکه، و امنیت خاطر و سرور و ابتهاج عجیب ملکوتی

حضرت، هنگام خروج از مکه که در سخنرانی شب عید قربان حضرت نمودار است. (۱۴) خبر از چله ملکوتی ویژه حضرت و بهره‌مندی از برکات عظیم «لیال عشر» در مواقع حج می‌کند میقات و مواقفی که میعاد ارواح انبیاء و اولیاء از آدم(ع) تا خاتم(ع) در این زمان و مکان می‌باشد.

«لیال عشر» و «فجر» حضرت، در مکه، ولیکن قربانگاه حضرت به همراه عزیزانش، در کربلاست. و این تنها «لیال عشر و فجر» است که به عروج حیرت‌انگیز حاجیان ختم می‌شود و حج‌کننده و قربانی یکی است! در طول تاریخ لیال عشر، از آدم(ع) تا خاتم(ص) و از خاتم(ص) تا زمان ما، هرگز در منابع دینی مصداقی برای «لیال عشر و فجر» سوره فجر، با ویژگی عروج نفس مطمئنه، و درهم شکسته شدن صولت جباران، غیر از جریان سیدالشهداء وجود ندارد؛ و این معنی، تعبیر اسرارآمیز «و فدیانه بذبح عظیم» را برجسته‌تر، مطرح می‌کند.

و بی‌جهت نیست که یکی از اسماء این سوره شریفه، «سورة الحسین بن علی(ع)» می‌باشد. (۱۵)

ممکن است در حرکت سیدالشهداء «و الفجر» سپیده‌دم عاشورا باشد که روز «ذبح عظیم» است؛ و قسم آن نیز، این معنی را تشدید می‌کند که مقصود آیه بیش از آن که ارتباط و اتصال آن را با «لیال عشر»، مطرح کند، نظر به سپیده‌دم زدوده شدن پرده تاریکی می‌باشد که این معنی با قربانی اهواء نفسانی در درون، و قربانی کردن خویش در بیرون حاصل می‌شود و «و الفجر» به این مسایل نظر دارد.

اینکه مصداق «لیال عشر» برای حرکت سیدالشهداء، ده شب اول محرم متصل به فجر عاشورا باشد، محتمل است، لیکن دلیل مقتضی بر آن نیست، بلکه سیر قولی امام شهیدان با تأکید بر حضور در مکه و استشهاد بر سیره حضرت موسی(ع)، تطبیق آن را بر دهه ذی‌الحجّه مقتضی می‌گرداند، اگر چه این شب‌های دهه اول محرم بخصوص شب عاشورا، شب بسیار عزیزی می‌باشد لیکن «لیال عشر» جایگاه ویژه‌ای از حیث زمان و مکان و تقرب الی الله دارد که هیچ ایامی و شب‌هایی، جز ایام ماه رمضان و شب‌های قدر، با آن برابری نمی‌کند.

عجیب است که سیدالشهداء این ماه مبارک رمضان و شب‌های قدر آن را نیز در مکه درک کرده است.

با توجه به حساسیت معنوی ماه مبارک رمضان در فرهنگ اسلامی، و با توجه به

حساسیت «لیال عشر» دهه اول ذی‌الحجه، بخصوص روز عرفه و شب عید قربان، شاید بتوان گفت که چله اصلی اولیاء خدا در فرهنگ اسلامی، سی شب ماه رمضان به علاوه ده شب اول ذی‌الحجه می‌باشد که انتهای اولی به «عید فطر» ختم می‌شود و دومی به «عید قربان» متصل می‌گردد که باید به یکدیگر ضمیمه گردد.

و شاید سرّ تفکیک سی شب و ده شب در میقات حضرت موسی (ع)، استقلال نسبی هر یک از سی شب و ده شب را افاده می‌کند که دومی مکمل اوکی بوده، سیر و سلوک ملکوتی را برای اولیاء خدا کامل می‌گرداند تا آنان را آماده ایفاء همه گونه جانبازی و ایثار در راه خدا بنماید.

حضرت امام خمینی رحمه‌الله علیه در این رابطه می‌فرماید:

«عید شریف فطر، عید است برای ضیافت الله؛ و عید شریف قربان، عید است برای لقاء الله؛ و آن عید که ضیافت الله است، مقدمه است برای لقاء الله». (۱۶)

«نفس مطمئنه» با توجه به موضوع طلب اطمینان ابراهیم (ع) از

خداوند در سوره بقره / ۲۶۰، نفس معصوم (ع) را نظر دارد که به مقام شامخ رضای الهی و مرضی خدا بودن نائل گشته است. (۱۷)

تعبیر «فادخلی فی عبادی» (۱۸) نیز، به فرینه قبل، و با توجه به بعد آن

«وادخلی جتی» (۱۹) که «جنتُ اللّقاء» را مطرح می‌کند که در قرآن مشابه

ندارد) مقام «عباد الله» را که عید محض می‌باشند، مطرح می‌کند که مقام مقربان و معصومین (ع) می‌باشد.

خلاصه کلام اینکه، این خطاب «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ» (۲۰) در سطح

عصمت طرح است و دیگران را شامل نمی‌شود تا گفته شود که حضرت حمزه، و

دیگر مؤمنان و شهدای غیر معصوم نیز، مصداق این آیه شریفه می‌باشند چرا که

«جنتُ اللّقاء» جتی است که فوق تصور عارفان است و سهم «عباد الله» می‌باشد که

خداوند ساقی شراب محفل آنان است: (۲۱)

«وَسَقِيهِمْ رَبَّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا». (۲۲)

پس با توجه به موضوع عروج ملکوتی و درهم شکسته شدن جباران، و «لیال

عشر» و «الفجر» مصداق تمام عیار شخصیت ملکوتی سوره فجر، سیدالشهداء

«حسین بن علی (ع)» می‌باشد که توضیح داده شد و اگر از این انحصار در

مصادق، تسنول کنیم، می‌گوییم : این خطاب صرفاً مقام عصمت را شامل می‌شود که برجسته‌ترین مصادق آن، با توجه به خصوصیات سوره، امام حسین(ع) خواهد بود.

مصادر و منابع :

- ۱- مُدرّس مقطع دکتری علوم قرآنی دانشگاه تربیت مدرس و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و دانشگاه امام خمینی قم
- ۲- سوره فجر، آیات ۱ تا ۳۰
- ۳- سوره اعراف، آیه ۱۴۲
- ۴- حدیث نبوی، کذالعمال، ج ۳، ص ۲۴
- ۵- سوره توبه، آیه ۳
- ۶- سوره صافات، آیات ۱۰۳ و ۱۰۹
- ۷- سوره صافات، آیه ۱۰۷
- ۸- این معنی در تفسیر ذبح عظیم از معصوم(ع) وارد شده است (عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۱، ص ۴۲۶)
- ۹- نورالتقلین، ج ۳، سوره مریم، ذیل آیه ۵۴، ج ۳، ص ۳۴۲
- ۱۰- نورالتقلین، ج ۳، سوره مریم ذیل آیه ۷، ج ۳، ص ۳۱۹
- ۱۱- موسوعه کلمات الحسین(ع)، ص ۳۲۵ و ۳۷۰
- ۱۲- نورالتقلین، ج ۳، ص ۳۲۴
- ۱۳- موسوعه کلمات الحسین(ع) (فصل حضور در مکه)، ص ۳۲۴
- ۱۴- موسوعه کلمات الحسین(ع)، فصل حضور در مکه، ص ۳۲۸
- ۱۵- در حدیثی امام صادق(ع) می‌فرماید : (سوره فجر را در هر نماز واجب و مستحب بخوانید که سوره حسین بن علی(ع) می‌باشد، هر کس آن را بخواند در معیت حسین بن علی(ع) در قیامت و در بهشت، خواهد بود. (مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۶۱۴)
- ۱۶- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۰۴
- ۱۷- سوره بقره، آیه ۲۶۰
- ۱۸- آیات آخر سوره فجر
- ۱۹- همان
- ۲۰- همان
- ۲۱- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۷۶
- ۲۲- سوره انسان، آیه ۲۱